

نمادشناسی و گونه‌شناسی شیرسنگی‌های ایران با تأکید بر نقوش و خطوط پیرامونی

روح اله رحمانی^{۱*}، سید عبدالمجید شریف‌زاده^۲، مهدی امرایی^۳

^۱ کارشناسی ارشد صنایع دستی، گروه صنایع دستی، دانشکده هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر، تهران، ایران.
^۲ استادیار پژوهشکده هنرهای سنتی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران.
^۳ استادیار گروه صنایع دستی، دانشکده هنر، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.
(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۲/۲۰، تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۸/۲۹)

چکیده

شیرسنگی تندیس است نمادین، تاریخی و بیشتر انتزاعی، بر مزار سلحشوران و بزرگان که ریشه در باورهای آیینی، شیعی و قومی دارد. اغلب این تندیس در مناطق بختیاری نشین مشاهده می‌شود. هدف بازشناسی و تحلیل فرمی و نمادین پیکره‌هاست. پرسش این است که آیا این پیکره در مناطق مختلف ایران و در دوره‌های تاریخی، از منظر زیبایی‌شناختی و مفاهیم شاهد تفاوت‌هایی بوده است یا خیر؟ روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و میدانی است. دامنه پراکندگی این تندیس در ۱۰ استان و ۴۰ شهرستان است و حجم نمونه‌های مورد مطالعه در این مناطق ۵۵۰ مورد است. در خوزستان و چهارمحال و بختیاری، پیکره‌ها از فرمی مکعب‌گونه برخوردارند، دارای شیب‌اند و نماد شجاعت محسوب می‌شوند. در شهر اصفهان، پیکره‌ها حالتی آرام و بدنی منحنی دارند که بیشتر نماد نگهبان هستند. در لرستان و برخی شهرهای استان اصفهان پیکره‌ها چهره‌ای انسان‌نما دارند، از شیب کمتری برخوردارند و نماد شجاعت‌اند. در یاسوج و استان فارس، پیکره‌ها کمی انحنا دارند، حرکت را تداعی می‌کنند و نماد شجاعت‌اند. در شمال غرب کشور خیز و جهش نمونه بختیاری مشاهده نمی‌شود و نمادی از شجاعت محسوب می‌شوند.

واژه‌های کلیدی

شیرسنگی، نمادشناسی، گونه‌شناسی، خطوط پیرامونی.

* نویسنده مسئول: تلفن: ۰۲۱-۶۱۰۶۳۴۴۵، ۰۲۱-۶۱۰۶۳۴۶۹، شماره: ۰۲۱-۶۱۰۶۳۴۶۹، E-mail: amirrahmani2m@gmail.com

مقدمه

و آرایه‌های مختلف در مغولستان، آذربایجان، ترکمنستان، گرجستان، ارمنستان و نخجوان ببینیم» (Bugrul, 2016, 143). بی‌نظیر بودن تعبیه تندیس شیر بر مزار در ایران، از یک‌سو حاکی از وجود مفاهیم نمادین و فلسفه عمیق اعتقادی آن در بستر تاریخی است. از سوی دیگر دربردارنده عناصر زیبایی‌شناختی در پیکره‌ای است که از نظر جغرافیایی و تاریخی دارای تفاوت‌هایی در اشکال و آرایه‌هاست. پژوهش حاضر در صدد پرده برداشتن از گوشه‌های پنهان موارد یادشده است. دامنه پراکندگی این تندیس تاریخی در ایران که از آذربایجان‌ها تا خوزستان ادامه می‌یابد، باعث ایجاد تفاوت‌های ظاهری در ادوار مختلف شده است. این تندیس در میان قوم بختیاری از بیش‌ترین تنوع از نظر کمی و کیفی برخوردار است. هدف بازشناسی و تحلیل فرمی و نمادین پیکره‌هاست. پرسش این است که آیا این پیکره در مناطق مختلف ایران و در دوره‌های مختلف تاریخی از منظر زیبایی‌شناختی شاهد تفاوت‌هایی بوده است یا خیر؟

در طول تاریخ در میان ادیانی که تدفین بخشی از مبانی اعتقادی آن‌ها را شامل می‌شود به‌طور ویژه نزد مسلمانان، جایگاه احداث و آراستن بناهای آرامگاهی بزرگان، همواره محل بروز و ظهور شاخه‌هایی از هنر و معماری بوده است. گاه این نمود، نه در وسعت یک آرامگاه، بلکه در حد آرایش سنگ مزار و یا نصب نمادی بر فراز گور افرادی با ویژگی‌های نیک انسانی است. یکی از این نمادهای استثنایی که به‌طور عام در ایران و به‌طور خاص نزد قوم بختیاری؛ به‌ویژه از عهد صفویه به این‌سو، کاربرد گسترده‌ای پیدا کرده است، ساخت و نصب نماد حیوان شیر در قالب یک تندیس، بر مزار بزرگان و سلحشوران است. این پیکره نشانی از شجاعت است و با باورهای شیعی مبنی بر نماد حضرت علی(ع) آمیخته شده است. ساخت تندیس حیوان بر مزار را می‌توان به‌صورت محدودتر، در سایر نقاط دنیا از جمله کشور ترکیه مشاهده کرد که بیش‌تر شامل تندیس قوچ و اسب است. «به غیر از ترکیه، ما تندیس‌های قوچ و اسبی شکل را می‌توانیم در اندازه، شکل

روش پژوهش

پژوهشی تاکنون به رشته تحریر درنیامده است. پرویز اذکایی (۱۳۵۳) در مقاله‌ای با عنوان «روایت درباره شیرسنگی همدان» روایت‌های تاریخی و باورهای عامیانه در خصوص شیرسنگی تاریخی همدان را مورد کنکاش قرار داده است. عباس قنبری عُدیوی (۱۳۹۳) نیز در کتاب «شیرسنگی؛ پژوهشی درباره شیرسنگی در بختیاری» به ویژگی‌ها و مبانی اعتقادی شیرسنگی از دریچه فرهنگ و ادبیات مردمان بختیاری پرداخته است. پرویز تناولی (۱۳۸۸) در بخشی از کتابی با عنوان «سنگ قبر» به موضوع شیرهای سنگی برخی مناطق ایران پرداخته است. پرویز صحراشکاف (۱۳۸۸) هم صفحه‌هایی انگشت‌شمار از کتاب «بردشیر؛ شیرسنگی» را به فلسفه وجودی شیرسنگی نزد قوم بختیاری اختصاص داده است. این یافته‌های علمی به‌صورت موردی و مربوط یک دوره و منطقه خاص است. این در حالی است که گستره این پژوهش در سطح کشور و بازه زمانی چهار سده اخیر است. سنگ بنای تحقیق حاضر بر مقایسه و تحلیل پیکره‌ها و نقوش بنا شده است، تا از این طریق بتواند چشم‌اندازی کلی از این تندیس را ترسیم نماید. این موارد در هیچ‌کدام از موارد گذشته به چشم نمی‌خورد. این امر محقق نمی‌شد مگر با آگاهی از آمار و دامنه پراکنش این تندیس تاریخی و نمادین.

روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات، ترکیبی از اسناد کتابخانه‌ای و یافته‌های میدانی است. شناخت شکل پیکره‌ها، نقوش و نمادهای شیرسنگی‌های نواحی ایران، مستلزم داشتن آگاهی از وضعیت موجود این تندیس در مناطق مختلف کشور بود. به این منظور نزدیک به ۵۵۰ تصویر از شیرسنگی‌های محوطه‌های گورستانی و غیرگورستانی (موزه‌ها و اماکن دولتی و عمومی) تهیه گردید. از این تعداد سهم استان‌های خوزستان و چهارمحال و بختیاری به دلیل تراکم بالای شیرسنگی هرکدام به ترتیب ۲۵۰ و ۲۰۰ تصویر، استان فارس ۳۰، لرستان ۲۰، اصفهان ۲۰، آذربایجان‌های شرقی و غربی ۱۵ و ۵، کهگیلویه و بویراحمد ۵، تهران ۳ و همدان ۲ تصویر می‌باشد. با تعیین تعداد این تندیس در هر منطقه، بررسی و تحلیل پیکره‌های منتخب از منظر شکل ظاهری، نقوش بکار رفته و نمادهای آن در دستور کار قرار گرفت و از نرم‌افزارهای گرافیکی جهت بازطراحی و ترسیم خطوط پیرامونی پیکره‌ها و نقوش بهره‌برداری شد.

پیشینه پژوهش

به‌رغم استثنایی بودن ساخت تندیس شیر بر مزار در ایران، تاکنون پژوهشی فراگیر و همه‌جانبه که دربرگیرنده اطلاعاتی جامع از کانون‌های تجمع این پیکره تاریخی، مقایسه تطبیقی زیبایی‌شناختی که حاوی عناصر تصویری و ترسیمی کامل از شکل و نقوش باشد، انجام نپذیرفته است. زهرا حیدری (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «مردم‌نگاری پیشه سنگ تراشان شیرسنگی در مناطق بختیاری نشین» ضمن اشاره به هنرمندان سنگ تراشان این تندیس، تنها به معرفی کارگاه‌ها و فنون ساخت آن در منطقه بختیاری اقدام نموده است. عطیه دهقان‌زاده و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «شیرهای سنگی مناطق مرکزی فلات ایران» به ذکر مواردی از ویژگی‌های حاکم بر شیرسنگی‌های این مناطق پرداخته‌اند. این تنها پژوهش کتابخانه‌ای مربوط به منطقه فلات مرکزی ایران است و پژوهش دیگری در خصوص شیرسنگی‌های این منطقه در قالب مقاله

مبانی نظری پژوهش

شیرسنگی و پیشینه آن

نمادهای شیر

شیر یکی از نمادهای پرتکرار زندگی بشر است و در جوامع مختلف مفاهیم گوناگون دارد. «شیر دارای دو جنبه مربوط به ماه و خورشیدی، خوبی و بدی است. در جنبه خورشیدی نشان حرارت خورشید و عظمت و قدرت خورشید نیمروز است» (کوپر، ۱۳۹۲، ۲۴۳). اندازه، قدرت و ظاهر شیر باعث شد که از روزگار باستان او را با ایزدان و در نتیجه با پادشاهان پیوند دهند. صفات شیر و شیوه ویژه ایزدان و ایزدانوان بود (وارنر، ۱۳۸۶، ۵۲۱). مظهر قدرت عقل و عدالت و در عین حال نشانه غرور و خودپسندی است (شوالیه و گریبان، ۱۳۸۵، ۱۱۱). شیران در ملل مختلف نیز نگهبانان

نمادین پرستشگاه‌ها، مقبره‌ها و آرامگاه بودند و تصور می‌رفت در تذهیب خوی آنها موجب دور کردن تأثیرات زیان‌آور باشد (هال، ۱۳۸۰، ۶۱). در چین و ژاپن، شیر نماد شجاعت و محافظت است. یک جفت شیر سنگی از دروازه‌های معابد و ساختمان حکومتی محافظت می‌کنند (شفر، راونا و راپرت، ۱۳۹۳، ۱۸۲). شیرهای سنگی نگهبان در مصر، بابل کهن و در دوره هخامنشی در تخت جمشید نیز دیده می‌شوند. در فرهنگ و آیین کهن ایرانیان نیز شیر نقش مهمی داشته و بخشی از آیین میتزایی (مهرپرستی) به شمار می‌آمده است، زیرا شیر نگهبان میترا بوده است (ضابطی جهرمی، ۱۳۸۹، ۱۶۵). در میان هفت رده دین مهر، چهارمین جایگاه از آن شیر است (Claus, 2000, 132). پس باید تصویر شیرهای منقوش بر سردر آرامگاه‌های پادشاهان هخامنشی را مظه‌ری از اعتقاد ایشان به معاد دانست که از آن را به‌جای تصویر مهر نقش کرده‌اند (قائم‌مقامی، ۱۳۴۵، ۱۱۵). شیر گاووزن یا گاوافکن، شیر و خورشید، شیردل، و اسفنگس یا بوالهول از پرکارترین ترکیبات نقش شیر در هنر ایرانی است.

شیرسنگی

نقش شیر به‌صورت ساده و ترکیبی، از دوران هنری ایلام/عیلام به بعد به‌وضوح در آثار هنری دیده می‌شود. این نقش در دوران پیش از اسلام و پس از آن بر انواع نقش برجسته، کاشی، سکه، زیورآلات، پارچه، قالی، پرچم و آثار نقاشی دیده می‌شود (تصویر ۱). پیکر حجمی شیر نیز در انواع مجسمه، سرستون، جام، دست بند، بازو بند، سر شمشیر، تکوک، سرعصا، قفل، کوبه در، شیر آب، و شیرسنگی نمودار گشته است (تصویر ۲). شیر در فرهنگ عامه و بومی در مناطق گوناگون ایران به‌ویژه در میان کانون‌های اصلی تجمع شیرسنگی‌های کشور در غرب ایران از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. از نماد شیر مفاهیمی عام همچون شجاعت، قدرت و توسل به حضرت علی (ع) در نظر است. نماد شیر که به‌صورت تندیس‌ی از شیر فراوان است (فروهوشی، ۱۳۶۴، ۴۸).

استفاده از شکل شیر در رابطه با شیر بختیاری است که نسل آن در قلمرو ایل به خاطر شکار منقرض شده است. در گذشته استفاده از شیرسنگی بیشتر بر روی مزار شکارچیان متداول بود (اشرفی خیرآبادی، ۱۳۸۸، ۱۱۰). در طرفین بدن شیر نقش‌هایی از اسلحه سرد و گرم از قبیل تفنگ، خنجر، شمشیر و کارد شکاری و همچنین تسبیح، شانه، آینه، انگشتر و مهر پدید می‌آیند. بر گرده (کمر) مجسمه شیر نیز نام و نشان فرد صاحب مزار نقش می‌بندند (امیراحمدی، ۱۳۶۸، ۴۷). شیرسنگی بر مزار انسان‌های نیکو صفت ذکور جای می‌گیرد. با این عمل، روح وی آرام می‌گیرد. این تندیس نمادین بر مزار اشخاص بدنام حتی با داشتن توان

نقش شیر به‌صورت ساده و ترکیبی، از دوران هنری ایلام/عیلام به بعد به‌وضوح در آثار هنری دیده می‌شود. این نقش در دوران پیش از اسلام و پس از آن بر انواع نقش برجسته، کاشی، سکه، زیورآلات، پارچه، قالی، پرچم و آثار نقاشی دیده می‌شود (تصویر ۱). پیکر حجمی شیر نیز در انواع مجسمه، سرستون، جام، دست بند، بازو بند، سر شمشیر، تکوک، سرعصا، قفل، کوبه در، شیر آب، و شیرسنگی نمودار گشته است (تصویر ۲). شیر در فرهنگ عامه و بومی در مناطق گوناگون ایران به‌ویژه در میان کانون‌های اصلی تجمع شیرسنگی‌های کشور در غرب ایران از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. از نماد شیر مفاهیمی عام همچون شجاعت، قدرت و توسل به حضرت علی (ع) در نظر است. نماد شیر که به‌صورت تندیس‌ی از شیر فراوان است (فروهوشی، ۱۳۶۴، ۴۸).



تصویر ۱- شیر در حال کشتن گاو، کلیله و دمنه بایسنقری، ۱۴۲۰ م، موزه توپ قاپی سرای استانبول. مأخذ: (گری، ۱۳۶۹، ۱۹۰)



تصویر ۲- جام زرین کلاردشت با سه سر شیر، ۶۰۰-۱۰۰۰ ق.م، موزه ملی ایران. مأخذ: <http://irannationalmuseum.ir>



تصویر ۳- نمونه شیرسنگی استان اصفهان، جنوب سمیرم. مأخذ: (تناولی، ۱۳۸۸، ۶۲)

سوغ، باورهای عامیانه، ساختار طبقاتی، دسترسی به سنگ و زیست‌بوم شیر در منطقه جستجو نمود. «شیرسنگی از دوران میترایی به زرتشتی و سپس به دوره اسلامی وارد شده و برابر اندیشه‌های ساکنان منطقه‌ی بختیاری کارکرد و شخصیت هنری، فرهنگی و اجتماعی یافته است» (قنبری عُدیوی، ۱۳۹۳، ۱۱۴). ساختار ایللیاتی، زندگی عشیره‌ای، روحیه شکار و جنگ، وجود سلاح و نمادهای گوناگون جنگ و دفاع، همگی در قهرمان سازی و اسطوره پروری مردان ایل بختیاری تأثیرگذار بوده و هست. نماد دنیوی و نمود ملموس این اسطوره‌های به خاک خفته شیرصفت، شیرسنگی است. بختیاری‌های شیعه‌مذهب، شیر را نماد حضرت علی (ع) می‌دانند. نماد مجسم این اعتقاد، تندیس است به شکل شیر از جنس سنگ، بر مزار حق پرستان و رهروان شیر خدا که بیشتر در جوار امام‌زاده‌ها بودند.

تعبیری همچون *مافه*، *مافه گه* و *کُتَل* دلیلی بر جایگاه سوگ در ایل بختیاری است. «مافه مکعبی از سنگ چین‌های خشت و بی‌مالات که غالباً بیش از یک متر درست می‌شود در مکانی به نام مافه گه که در مراسم و آیین کُتَل کاربرد نمادین دارد» (مددی، ۱۳۸۶، ۶۸). مافه مزار نیست در واقع یادمانی است در بیلاق یا قشلاق. کُتَل نمایشی است با اسب آذین شده در مراسم سوگ. در کنار این موارد، شیرسنگی نیز مصداق پیدا می‌کند. «در باور بختیاری‌ها در گذشته هم، توسل به بردشیر موجب شفادهی و آوردن پسر نترس و شجاع و موجب پیروزی در انجام برخی کارها مانند شکار است. کودک سیاه‌سرفه گرفته یا مبتلا به سرخک را وسط پیکره شیرسنگی عبور می‌دهند» (نوروزی، ۱۳۹۸، ۱۲۴). ایل بزرگ بختیاری به دو شاخه هفت لنگ و چهار لنگ تقسیم می‌شود. وجود شخصیت‌هایی چون رئیس طایفه، ایل خان، کلانتر، کدخدای و ریش سفید در جایگاه بالای این ساختار سلسله مراتبی، خود دلیلی است تا پس از فوتشان نمادی همچون شیرسنگی بر مزارشان ماندگار شود. «در زبان لری بُرد به معنی سنگ است و بُردی به معنی سنگی و یا چیز و کسی که نسبتی با سنگ دارد» (امیراحمدی، ۱۳۶۸، ۴۴). قرارگیری در دامنه‌های کوه‌های زاگرس میانی و منابع غنی سنگ، موجب گردیده بختیاری‌ها علاوه بر استفاده از سنگ در ساخت شیرسنگی، در برپا کردن چادر خود که بهون نام دارد و مواردی از این دست بهره ببرند (تصاویر ۵ و ۶). دامنه‌های زاگرس از دیرباز زادگاه شیر ایرانی بوده است. به‌طور حتم، وجود شیر زنده در گذشته و در منطقه یادشده در الهام‌بخشی و آفرینش پیکره شیرسنگی تأثیرگذار بوده است.



تصویر ۶- نمونه شیرسنگی مناطق بختیاری نشین.
 مأخذ: <https://iranicaonline.org/articles/lion-tombstone>

مالی، از منظر عمومی خالی از اعتبار و محلی از اعراب ندارد (تصاویر ۳ و ۴).

ویلهم آیلر^۲ معتقد است کار گذاشتن شیرسنگی بر قبر، به کاسی^۳ باستان باز می‌گردد که بین ۱۵۰۰ تا ۱۲۰۰ پیش از میلاد در لرستان می‌زیسته‌اند (تناولی، ۱۳۸۸، ۱۲۸). از شگفتی‌های همدان، تندیس شیری است از سنگ، بر دروازه‌های شهر که گفته می‌شود: طلسمی است برای سرما (اذکایی، ۱۳۵۳، ۳۳). بنا به روایتی که بر روی پایه این شیرسنگی نصب شده، مقصد تاریخی آن سال ۳۲۴ پیش از میلاد دانست که به فرمان اسکندر مقدونی به مناسبت گرمی داشت سردار محبوبش *هفایستون*^۴ ساخته و بر فراز گور او نصب کرد (دهقان‌زاده و دیگران، ۱۳۹۷، ۴). این شیرسنگی با سه متر و نیم طول و یک متر و نیم عرض بزرگ‌ترین و قدیمی‌ترین شیرسنگی قبر ایران است (تناولی، ۱۳۸۸، ۱۳۱). *عبدالعلی کارنگ* در کتاب *آثار باستانی آذربایجان* می‌نویسد: جلو مدخل مقبره سلطان مجسمه سنگی شیری نهاده شده که یکی از شاهکارهای هنر مجسمه‌سازی محسوب می‌شود (۱۳۵۱، ۶۳۰). منظور از سلطان؛ *سلطان اویس* دومین پادشاه سلسله آل جلایر (۷۳۰ تا ۸۳۵ ه.ق) است که مقبره‌اش در گورستان *شادآباد* روستای *مشایخ* نزدیک تبریز است.

ریشه‌های وجودی شیرسنگی

حوزه ظهور شیر سنگی در غرب ایران و تراکم اصلی آن در مناطق بختیاری نشین (استان‌های چهارمحال و بختیاری، خوزستان، لرستان و اصفهان) است. در شمال غرب ایران و همدان ریشه‌های این تندیس را می‌توان در دل تاریخ که ذکر آن رفت جستجو کرد. در شهر اصفهان پیشینه آن به صفویه می‌رسد که دلایل وجودی آن با رسمی شدن مذهب شیعه در این دوره پیوند دارد. در مناطق بختیاری نشین ریشه‌های وجودی این تندیس نمادین را می‌توان از منظر فرهنگی و مردمان بومی منطقه در ۸ عامل: ریشه‌های آیینی، روحیه سلحشوری، اعتقادات شیعی، یادمان‌های



تصویر ۴- نمونه شیرسنگی استان فارس، شهر شیراز. مأخذ: (تناولی، ۱۳۸۸، ۶۵)



تصویر ۵- نمونه شیرسنگی مناطق بختیاری نشین. مأخذ: (صحراشکاف، ۱۳۸۸، ۱۵۶)

دامنه پراکندگی شیرسنگی

شیرسنگی در بسیاری از نقاط ایران به‌خصوص نزد ایلات بختیاری، لر و مردم آذربایجان رواج داشته است (دادور، ۱۳۹۰، ۲۸). در این پژوهش پس از واکاوی منابع مکتوب و شفاهی، از طریق ارتباط‌گیری با مطلعان و با هدف ردگیری شیرسنگی‌های موجود در نواحی مختلف ایران، بیش‌ترین تراکم آن به ترتیب در استان‌های خوزستان، چهارمحال و بختیاری، فارس، لرستان و اصفهان تعیین گردید. در مجموع ۱۰ استان و ۴۰ شهرستان در محوطه‌های گورستانی یا غیر آن (موزه، امکان مذهبی و دولتی) از شیرسنگی برخوردارند. «سرزمین بختیاری شامل استان چهارمحال و بختیاری و قسمت‌هایی از استان‌های خوزستان، لرستان و اصفهان می‌باشد» (مددی، ۱۳۸۶، ۱۳). تراکم اصلی شیرسنگی نیز در این سرزمین یعنی در دامنه‌های زاگرس میانی به‌ویژه استان‌های خوزستان (به‌عنوان قشلاق و گرمسیر) و چهارمحال و بختیاری (به‌عنوان بیلاق و سردسیر) و در مسیر کوچ این دو استان است. خوزستان را موزه روباز شیرسنگی‌های ایران لقب داده‌اند. بیشترین تراکم این پیکره‌ها در شهرستان‌های ایذه، لالی و اندیکا دیده می‌شود که اکثر آنها در محوطه گورستان جای دارند. گورستان تاریخی شهسوار روستای کهبادا شهرستان ایذه به شماره ثبتی ۲۵۹۶ یکی از مکان‌های بکر وجود شیرسنگی در کشور است. در مسجدسلیمان از قدیم تاکنون کارگاه‌های ساخت سنگ شیر دایر است. در شهرستان‌های باغ ملک، گتوند، شوشتر و دزفول نیز تعدادی از این تندیس‌ها مشاهده می‌شود. در مجموع اکنون نزدیک به ۹۰۰ شیرسنگی در استان خوزستان وجود دارد که این عدد با توجه به جایگزینی نمونه‌های جدید با پیکره واقع‌گرا و تخریب موارد پیشین تغییر پیدا می‌کند.

افرادی در ناحیه هفشجان چهارمحال و بختیاری به تکمیل این هنر پرداختند و در تراشیدن شیر به مقام استادی رسیدند (صحرشکاف، ۱۳۸۸، ۲۵). هفشجان که اکنون شهر کوچکی نزدیک شهرکرد است،

مشهورترین مکان کشور در ساخت و سابقه وجود شیرسنگی است. در مجموع، اکنون در استان چهارمحال و بختیاری حدود ۳۰۰ شیرسنگی وجود دارد که متراکم‌تر و به ترتیب در شهرستان‌های کوهرنگ، لردگان، اردل، بروجن، کیار و شهرکرد مشاهده می‌شوند.^۷

علیرضا فرزین در کتاب *گورنگاره‌های لرستان* با اشاره به وجود بردشیر در منطقه *کَلقی* و روستای *کی* ورز الیگودرز لرستان می‌نویسد: سنگ‌تراشان متأثر از الگوهای ذهنی خود نمادی از یک شیر می‌تراشیدند (۱۳۸۴، ۱۰۰). در مجموع و بنابر اطلاعات حاصل شده، ۸۰ شیرسنگی در شهرستان الیگودرز (به‌عنوان قطب شیرسنگی‌های استان لرستان) در ۱۵ روستا و آرامستان شهر وجود دارد. روستاهای *پَر* و *بَزَنوید* از این جمله‌اند (تصویر ۷). «چندین مجسمه شیرسنگی از شاهکارهای حجاران اصفهان باقی‌مانده که *جلال‌الدین همایی* در کتاب تاریخ اصفهان تعداد آنها را دوازده عدد ذکر کرده است» (منتظرالقائم، ۱۳۹۱، ۵۹۲). در *دانشنامه تحت فولاد* نوشته دکتر *منتظرالقائم* از شیرهای سنگی اصفهان در اماکنی چون مسجد درب امام، محله کوشک، زیارتگاه هارون ولایت، امام‌زاده‌ها احمد، حمزه و اسماعیل، تکیه پشت مصلی، مادر شاهزاده و پل خواجو نام برده شده است. برخی از این تندیس‌ها مربوط به عهد صفوی هستند (تصویر ۸).

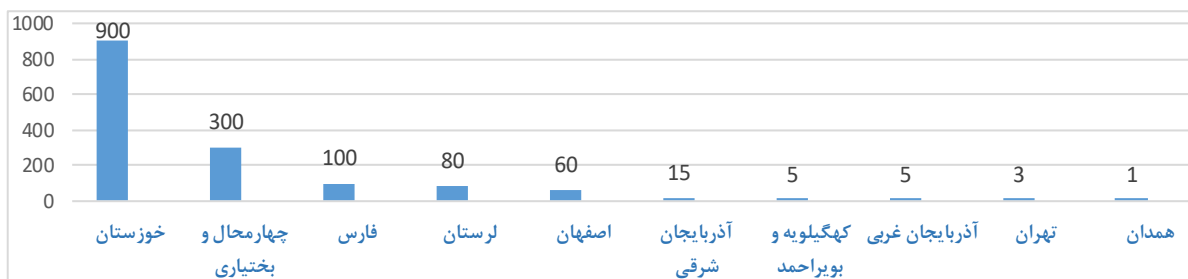
در استان اصفهان، اکنون بیش‌ترین شیرسنگی در روستاهای *مصیر* و *بهرام‌آباد* فریدون‌شهر مشاهده می‌شود. در گلپایگان، چادگان خوانسار، سمیرم، فلاورجان و فریدن هم این تندیس‌ها دیده می‌شود. بیش‌ترین تعداد استان فارس متعلق به روستاهای *کلانی* و *دوسیران* شهرستان کازرون هستند. در مجموع اکنون نزدیک به ۱۰۰ نمونه در کل استان موجود است. در استان‌های کهگیلویه و بویراحمد و آذربایجان غربی هر کدام ۵ شیرسنگی در حال حاضر وجود دارد. در استان آذربایجان شرقی نزدیک به ۱۵ شیرسنگی وجود دارد (تصویر ۱۰). همدان ۱ نمونه تاریخی که ذکر آن رفت و در تهران ۳ مورد که یکی در میدان حسن‌آباد به یاد شهدای آتش‌نشان نصب شده است (نمودار ۱) (تصویر ۹).



تصویر ۸- نمونه شیرسنگی شهر اصفهان، محله درب کوشک. مأخذ: <https://www.cgie.org.ir/fa/article>



تصویر ۷- نمونه شیرسنگی استان لرستان، الیگودرز. مأخذ: (منتظرالقائم، ۱۳۹۱، ۵۹۲)



نمودار ۱- پراکندگی شیر سنگی در ایران به تفکیک استان.

پیکره‌شناسی شیرسنگی‌های نواحی ایران

شیرسنگی‌های گذشته، تندیس‌هایی ذهنی‌ساز و بدون یال و کوپال هستند. پیکره‌های انتزاعی و نمادین از شیر نر شرزَه ایرانی که اغلب در حالت خیز و غرش و ایستاده‌اند. تنه‌ای مکعب گونه یا گرد و منحنی دارند. برخی دارای کتیبه و نوشته و اغلب دارای نقش هستند. به طول کلی اجزاء پیکره شیرسنگی‌ها را می‌توان به سه قسمت: ۱. سر و صورت، ۲. تنه و ۳. دست و پا تقسیم کرد. سر اغلب به شکل حجم استوانه‌ای، نیم مخروطی و کره‌ای دیده می‌شود. صورت شامل چشم‌ها، ابروان، دهان، دندان‌ها و گاه سبیل است. تنه، بیشترین حجم پیکره شیرسنگی را شامل می‌شود و گرده یا کمر، دو پهلو، شکم، و گاه دم برگشته را دربر می‌گیرد. دست‌ها به هم متصل و گاه بازند. پاها نیز چنین وضعیتی دارند.

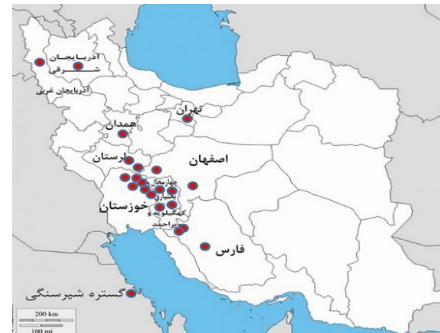
۱- **نقوش پیکره:** هنرمندان همیشه مترصد بهانه و توجیه فلسفی کارهای خویش‌اند و به همین جهت برای مردم‌وار کردن هنر خود رابطه عمیق معنوی بین هنر خود و عقاید دینی برقرار ساخته و تصاویر و خطوط را بر اساس آن به‌وجود می‌آورند (فقیه میرزایی و دیگران، ۱۳۸۴، ۲۲۵). به‌طور کلی نقوش حک‌شده بر شیرسنگی‌های ایران را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

ابزار جنگ و شکار: شامل سلاح سرد و گرم؛ سلاح سرد مانند انواع شمشیر(منحنی، صاف و دوزبانه)، خنجر، نیزه، چاقو، گرز، تیر، کمان و تیر. سلاح گرم مانند انواع تفنگ تک لول، دولول، کمرب، دوربین دار و تپانچه. از دیگر نقوش این دسته می‌توان به سپر(دِرک در اصطلاح محلی)، دوربین شکاری، باروت دان، تیردان، تازیانه و تیشه اشاره کرد. «داشتن سلاح نماد تسلط بر مغلوب است» (کوپر، ۱۳۹۲، ۲۱۳). خنجر برای فروکردن و زخم‌زدن طراحی شده است (شفره، راونا و راپرت، ۱۳۹۳، ۲۹۹). نیزه، شمشیر و تبر همگی مظهر پرتوهای خورشیدند. نیزه نشانه ردیف پایین‌تر در سوارکاری و شمشیر به‌عنوان بصیرت، شکل عالی‌تر سوارکاری است (کوپر، ۱۳۹۲، ۳۸۸). شمشیر در اصل متشکل از یک تیغه و یک قبضه است و بنابراین نماد اتحاد شمرده می‌شود (سرلو، ۱۳۹۲، ۵۳۰). گرز، اسلحه‌ای است که دلالت بر یک ضربه خردکننده یا نابودی کامل دارد (همان‌جا، ۶۵۰). در میان نقش سلاح، شمشیر منحنی فراگیرترین نقش است (جدول ۱).

نقوش حیوانی: شامل نقش اسب، مادیان و کره، قوچ (بز کوهی)، پازن (نوعی بز کوهی)، کبک، کبوتر و پرنده. «این تصاویر مردانی را مشخص می‌کند که در دوران زندگی کوچ زیستی، به شکار، نخجیرگاه و سوارکاری

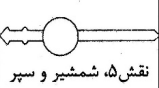

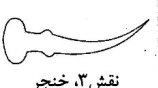




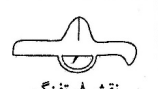


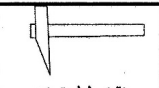
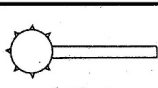
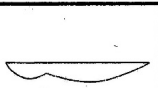
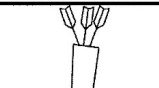
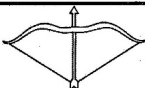
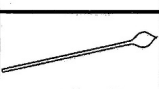

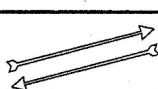
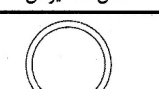

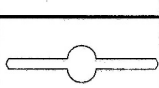
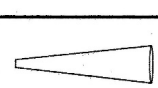

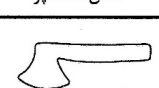



تصویر ۱۰- نمونه شیرسنگی شهر تبریز. مأخذ: (تناولی، ۱۳۸۸، ۷۰).



تصویر ۹- پراکندگی شیرسنگی در ایران بر روی نقشه.

جدول ۱- نمونه‌هایی از نقوش ادوات جنگ و شکار شیرسنگی‌های نواحی ایران.

 نقش ۵، شمشیر و سپر	 نقش ۴، شمشیر دو زبانه	 نقش ۳، خنجر	 نقش ۲، شمشیر منحنی	 نقش ۱، شمشیر و سپر
 نقش ۱۰، تفنگ	 نقش ۹، تفنگ	 نقش ۸، تفنگ	 نقش ۷، تفنگ	 نقش ۶، تفنگ
 نقش ۱۵، تیشه	 نقش ۱۴، گرز	 نقش ۱۳، چاقو	 نقش ۱۲، تیردان	 نقش ۱۱، تیر و کمان
 نقش ۲۰، نیزه	 نقش ۱۹، پرچم	 نقش ۱۸، تیر	 نقش ۱۷، سپر	 نقش ۱۶، باروت دان
 نقش ۲۵، سایر نقوش	 نقش ۲۴، سایر نقوش	 نقش ۲۳، تازیانه	 نقش ۲۲، تیر	 نقش ۲۱، شمشیر

پاها. متن کتیبه‌ها بیشتر به زبان فارسی و گاه عربی اغلب شامل مشخصات فرد، نام امامان، متون نظم و نثر و اشعاری با مضمون سوگ و وصف شخصی است که شیرسنگی برای او نصب شده است. از منظر جغرافیایی، بیشترین تنوع نقوش با بیش از ۵۰ مورد به شیرسنگی‌های خوزستان و چهارمحال و بختیاری اختصاص دارد. این نقوش هرکدام به میزان نسبت داشتن و ارتباط با مفهوم عمومی شیر، جایگاهی در پیش برد مفهوم آن در منطقه بختیاری بازی می‌کند. در سلاح گرم و سرد که نشان شکار و جنگ و نمادی از روحیه سلحشوری و دلاوری است با مفهوم شیر که نمادی است از شجاعت، نوعی هم‌خوانی موضوعی در نقوش و پیکره صورت پذیرفته است. گاه هنرمند حجار، نقش شمشیر دولبه را تداعی‌گر ذوالفقار حضرت علی (ع) دانسته و نقش آن را بر دیواره شیرسنگی حک نموده است. این نماد با خود شیر که از منظر اعتقادی مذهب شیعه، منسوب به شیر خدا؛ حضرت علی (ع) است هم‌خوانی معنایی دارد. نقش اسب‌سوار نیز که آمیخته با مفهوم سلحشوری و شجاعت است با مفهوم نمادین شیر، نزدیکی دارد. نقوش مذهبی و سنتی نیز با مفهوم اعتقادی نماد شیر درهم آمیخته و در پیش‌برد مفهوم آن نقش مهمی دارد.

شکل و مفهوم پیکره

شیرسنگی‌های دوره صفویه بزرگ و باشکوه هستند (مانند برخی نمونه‌های شهر اصفهان، تصویر ۸). نمونه‌های قاجار از پیکره کوچکی برخوردارند. برخی نمونه‌های جدید، بزرگ و واقع‌گرا هستند و سری بزرگ با یال و کوپال دارند (جدول ۴، ترسیم ۹ و ۶). برخی دیگر مانند نمونه‌های دوره قلی دارای حجم مکعبی و حالتی انتزاعی هستند. بدن شیب‌دار است و خیزش و غرش را تداعی می‌کند (جدول ۴، ترسیم ۱ تا ۵). با توجه به شباهت کلی در شکل، نقش و مفهوم شیرسنگی مناطق با یکدیگر، در مجموع می‌توان آنها را به ۴ دسته زیر تقسیم نمود:

تبحر داشته و به‌عنوان میرشکار معروف بودند» (صحراشکاف، ۱۳۸۸، ۲۶). اسب به دلیل استفاده‌های فراوان در زندگی و همچنین صلابت و نجابتش آن‌چنان اهمیتی پیدا کرده که برای آنها یار و غم‌خوار تلقی شده است (مددی، ۱۳۸۶، ۶۶). نقش پرندۀ نشان از عروج روح انسانی و تعالی و پرواز به سوی لایتنهای است. پرندۀ سمبل آزادی و رهایی روح از بند تن و عالم خاکی است (فقیه میرزایی و دیگران، ۱۳۸۴، ۲۲۸). نقش پازن نیز با شکارچی بودن و جنگندگی متوفی مرتبط است. نقش اسب پرتکرار از نقش اسب با سوار است.

نقوش انسانی: شامل نقش زن، بچه، نقوش مرد (اسب‌سوار، جنگی و بختیاری). نقوش اخیر، یعنی نقش مردان اسب‌سوار بختیاری که از نقوش پرتکرار منطقه است، نماد سلحشوری، جنگاوری و شکار است.

نقوش گیاهی: شامل درخت سرو، گل چندپر، سنبله گندم و شاخه گل و برگ. نقوش گیاهی نماد رویش، معاد و آرزوی بازماندگان مبنی بر خورداری متوفی از بهشت برین است. «درخت به معنای زندگی پایان‌ناپذیر و بنابراین، با نماد جاودانگی برابر است» (سرلو، ۱۳۹۲، ۳۸۷). درخت سرو که به‌نوعی یادآور جهان زیرین است، در گورستان‌ها کاشته می‌شود و در تصاویر مربوط به کیمیاگری، اغلب با مرگ مرتبط است (شفر، راونا و راپرت، ۱۳۹۳، ۲۴۴) (جدول ۲).

مذهبی - ملی و نقوش نادر: شامل قرآن، تسبیح، مهر، اسلیمی، پرچم، شاهنامه، فرّوهر و سرباز هخامنشی. نقوش مذهبی نماد تقوی و ایمان صاحب سنگ شیر است. پرچم نیز نماد جلوداری در جنگ است. نقوش نادر شامل پرگار، وسایل ورزش باستانی (میل، سنگ و کباده)، قلیان، شانه، خورشید و توپ (جدول ۳). نوشتار پیکره نیز در تندیس‌هایی که دارای کتیبه هستند با خطوطی مانند نستعلیق، نسخ و ثلث بیشتر بر این قسمت‌ها مشاهده می‌شود: ۱. کمر تندیس، ۲. سنگ زیرین که تندیس بر آن نصب است، و ۳. بر پهلوها و در گاهی موارد بر سر، دست‌ها و


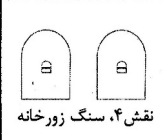










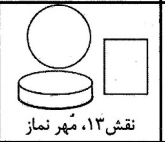







جدول ۲- نمونه‌هایی از نقوش حیوانی، انسانی و گیاهی شیرسنگی‌های نواحی ایران.

شهر کرد که چهره‌ها، چشم‌ها و بینی نمایان و دهانی نیم‌باز با دندان‌های بزرگ سفیدرنگ دارند. البته این دندان‌های پیدا و حالت غرش در برخی شهرستان‌های خوزستان مانند لالی نیز دیده می‌شود. نقش شمشیر و خنجر پرتکرارترین نقوش بر پیکره این تندیس‌هاست. نقش اسب و اسب‌سوار نیز به‌وفور یافت می‌شود که نمادی است از جنگاوری، سلحشوری و شکار است. از نظر مفهومی دارند، این تندیس‌ها نماد شجاعت، رشادت و بزرگی هستند. پرویز تناولی در کتاب سنگ قبر درباره شیرسنگی استان چهارمحال و بختیاری می‌نویسد: شیرهای سنگی روستاهای چهارمحال با شیرهایی که بر سر راه لره‌های کوچ رو به‌ویژه آن‌ها که در دره‌های بازفت قرار گرفته‌اند، تفاوت زیادی دارند. شیرهای اخیر، اکثراً درشت‌هیکل و ختمشان [پرداخت نهایی] زمخت است (۱۳۸۸، ۵۷) (جدول ۴).

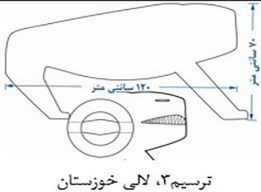
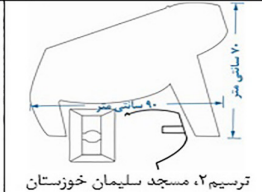
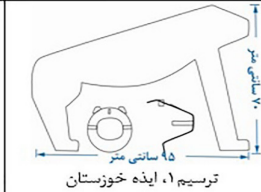

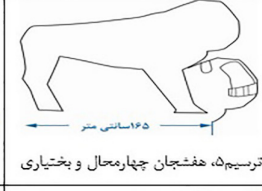
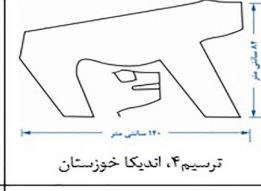



اصفهان و لرستان: شیرسنگی‌های شهر اصفهان با سر و پیکره‌ای تنومند و نسبتاً بزرگ، بدنی (شکم و کمر) انحنا دار و رویه‌ای صیقلی، پاها و

خوزستان و چهارمحال و بختیاری: عامل کوچ در بین عشایر این دو استان، مجاورت و فرهنگ واحدشان، در آفرینش تندیس شیر با پیکره‌ها، نقوش و مفاهیم به نسبت مشابه اثربخش است. ویژگی عمومی پیکره‌های شیر در این منطقه (نمونه‌های قدیمی‌تر) که بیش‌ترین تراکم را در کشور دارد، اغلب در شیب پیکره که حالت خیز و غرش را تداعی می‌کند خلاصه می‌شود. بیش‌تر گرده‌ای (کمری) صاف همراه با شکمی گاه منحنی، پاها و دستانی مکعب گونه، غیرمنحنی، غیرمنفک، مایل و رو به جلو را (در برخی موارد پاها قائم است) در آن‌ها شاهد هستیم. همچنین سری نیم‌مخروطی، طوقی بر گردن، دهانی نیم‌باز و گوش‌هایی نیم برجسته از ویژگی‌های عمومی این پیکره در این دو استان است. گاه طول این تندیس، نزدیک به دو متر و ارتفاع یک و نیم متر است. در برخی موارد نادر سر قوچی زیر دست شیر دیده می‌شود که نماد غلبه و برتری بر همسایگان است. اجزاء چهره اغلب ناپیدا است به غیر از شیرسنگی‌های مناطقی مانند هفشجان

جدول ۳- نمونه‌هایی از نقوش ملی- مذهبی و نقوش نادر شیرسنگی‌های نواحی ایران.

جدول ۴- خطوط پیرامونی و وضعیت سر نمونه شیرسنگی‌های خوزستان و چهارمحال و بختیاری.

بینی متصل به ابروان پُریشت مردانه، چشمان بزرگ، سیبیل قرینه منحنی و دندان‌هایی با اندازه و برجستگی کم، از ویژگی‌های چهره است. این پیکرها خیز، شیب و غرش نمونه‌های خوزستان و چهارمحال و بختیاری را ندارند، چراکه گرده یا کمر در حالت صاف و افقی است. دست‌ها و پاها، قائم و متصل به هم و در برخی موارد دست‌ها، کمی شیب به جلو دارد و تنه (بیشتر در قسمت شکم) منحنی است (جدول ۵، ترسیم‌های ۱، ۲، ۳، ۵ و ۸).

فارس و کهگیلویه و بویراحمد: ویژگی اصلی شیرسنگی‌های این مناطق، وضعیت در حرکت بودن پیکره است. یک دست و یک پا در جلو، حالت راه رفتن را القاء می‌کند. این موضوع مستلزم دست و پای باز است. تنه دارای انحنا و گاه سر قوچی زیر دست شیر مشاهده می‌شود که نماد غلبه بر همسایگان است (این موضوع با شیرسنگی‌های چهارمحال و بختیاری مشترک است). پیکرها شیر را در حال غرش نشان می‌دهند (جدول ۵، ترسیم ۴). برخی دیگر در کازرون از جثه کوچک‌تری برخوردارند و گاه دارای کتیبه می‌باشند (جدول ۵، ترسیم ۹). در نمونه‌های کهگیلویه و بویراحمد نوشتار نامنظم و در برخی سر، بزرگ و خارج از تناسب است.

آذربایجان‌های شرقی و غربی: شیرسنگی این مناطق؛ ایستاده، آرام و خیز و جهش بختیاری‌ها را ندارند. در برخی موارد فاصله دست‌ها تا پاها زیاد است و طول پیکره تا ۱۸۰ سانتی‌متر هم می‌رسد. دو دست به هم متصل هستند و پاها نیز همین وضعیت را دارند و مکعب‌گونه‌اند. کمر صاف اما شکم دارای کمی انحنا است. اجزاء چهره ناپیدا و دم به یک سمت پیکره چرخیده و متصل است. نقش شیر و خنجر بر پیکرها دیده می‌شود (تصویر ۱۰ و جدول ۵، ترسیم ۶).

دست‌هایی اغلب باز و منفک از هم، کاملاً ایستاده، حالتی با وقار و با ابهت را القاء می‌کنند. دهانی باز دارند که گاه چهره کوچک مردی میان‌سال، به رنگ تیره با سیبیل درون آن مشاهده می‌شود (مانند نمونه شیرسنگی امامزاده احمد) (جدول ۵، ترسیم ۲). گوش‌های برجسته و طوقی بر گردن دارند. اغلب دارای کتیبه به همراه اشعاری به خط نستعلیق، درون یک قاب با خطوط مشخص هستند. بر پیکر شیرسنگی‌های اصفهان، نقوش اسلیمی و نقوش نادر مشاهده می‌شود. مانند نقش پرگار که نشان از معماربودن فرد متوفی دارد (بر پیکر شیرسنگی زیارتگاه هارون ولایت). نقش ابزار زورخانه یا ورزش باستانی، که نشان از پهلوان بودن شخص دارد (بر پیکر شیرسنگی پل خواجو؛ با نقش دو میل در جلوی دست‌ها، دو سنگ و یک کبابه در یک پهلوی پیکره). این تندیس‌های نمادین در شهر اصفهان بر یک سمت، دمی برگشته و برجسته بر تنه دارند. بر سمت دیگر، نقش شمشیر بزرگ منحنی حک شده است که گاه از نزدیک گردن آغاز می‌شود و تا زانو ادامه دارد. نقش خنجر، تپانچه و سپری که با شمشیر ترکیب شده است از دیگر نقوش رایج است. برخی از آنها مانند شیرسنگی تکیه پشت مصلی که در محوطه گورستان قرار دارد، نمادی از شجاعت است. برخی دیگر که در محله‌ها پراکنده‌اند (مانند نمونه شیرسنگی محله کوشک)، نماد نگیهان هستند. در نمونه‌هایی که در اماکن مذهبی قرار دارند (مانند مسجد درب امام)، می‌توانند نمادی از حضرت علی (ع) و رمز ولایت خدا باشند. در شهرهای فریدون‌شهر و فریدن استان اصفهان و الیگودرز استان لرستان نیز شیرسنگی وجود دارد که شباهت بین شکل ظاهری آنها قابل توجه است. بنا به پژوهش حاضر، سازنده‌ای مشترک دارند. پیکره‌های انتزاعی، چهره انسان‌نما، بیان‌گر و برون‌گرا، از جمله ویژگی‌های مشترک آن‌ها هستند.

جدول ۵- خطوط پیرامونی پیکره و وضعیت سر نمونه شیرسنگی‌های دیگر نواحی ایران.



نتیجه

والای شیر در فرهنگ عامه مناطق غرب ایران باعث به‌وجود آمدن تندیس‌هایی شده است که بر حسب مورد دارای تفاوت‌هایی در مفهوم، شکل و نقش

تندیس شیرسنگی در مناطق مختلف ایران و در دوره‌های تاریخی از منظر زیبایی‌شناختی و مفاهیم شاهد تفاوت‌هایی بوده است. جایگاه

نمادین شیر، نزدیکی دارد. نقوش مذهبی و سنتی نیز با مفهوم اعتقادی نماد شیر درهم آمیخته و در پیش برد مفهوم آن نقش مهمی دارد. در میان بومیان مناطق بختیاری الیگودرز لرستان و فریدون شهر اصفهان نشین نیز نماد شیر همان مفهوم شجاعت و سلحشوری را تداعی می‌کند. تندیس شیر از چهره‌ای با اجزاء انسانی برخوردار است و طبق پژوهش، سازنده‌ی مشترک دارند. در شهر اصفهان جایگاه شیر در دوره صفویه و در میان مردمان آن روزگار با مسائل مذهبی آمیخته شده است. بسیاری از این تندیس‌ها در جوار امام‌زاده‌ها مشاهده می‌شود و نمادی از امام اول شیعیان و توسل جستن به ایشان است. شیرسنگی‌های شهر اصفهان، از خطوط پیرامونی منحنی و نرمی برخوردارند و پاها اغلب از هم منفک هستند. نقوش نادری همچون پرگار و ابزار ورزش باستانی بر بدنه تندیس مشاهده می‌شود که به ترتیب نماد معمار و پهلوان بودن شخص متوفی است. اغلب در محوطه‌های غیر گورستانی و سطح شهر قرار دارند که نماد نگهبان هستند. در یاسوج و استان فارس گاهی دست و پای پس‌وپیش شیر، حرکت را تداعی می‌کند و نمادی از شجاعت است. در برخی موارد سر قوچ، زیر یک دست شیر دارند که نماد غلبه بر همسایگان است. در نمونه‌های آذربایجان‌ها جهش و غرش شیرسنگی‌های بختیاری مشاهده نمی‌شود و بدن از انحنای کم‌تری برخوردار است. در میان بومیان این مناطق که از گذشته زیست‌بوم شیر وجود نداشته است این حیوان نمادی از شجاعت است که در تندیس‌های آن نمود پیدا کرده است.

است. از منظر تاریخی، نمونه‌های دوره صفویه بزرگ و باشکوه‌اند. نمونه‌های قاجار کوچک‌تر و برخی از نمونه‌های جدید، واقع‌گرا هستند و از یال و کوپال برخوردارند. به دلیل وجود زیست‌بوم شیر در گذشته در مناطق بختیاری نشین (بخشی از استان‌های خوزستان، چهارمحال و بختیاری، لرستان و اصفهان) و نوع زندگی عشایری، این نماد ملموس‌تر و نشانی از شجاعت و سلحشوری است. در خوزستان و چهارمحال و بختیاری به‌عنوان کانون‌های اصلی تجمع این پیکره (با بیش از ۸۰ درصد)، اغلب پیکره‌های قدیمی‌تر، دارای خطوط مستقیم پیرامونی و شیب هستند. ساختار جامعه عشایری و بدوی بختیاری و امکانات فنی ساخت، حجم انتزاعی، ذهنی ساز و راست‌گوشه‌ای را در بیش‌تر موارد شامل شده است که حیوان را در حال غرش و جهش نشان می‌دهد. بیشترین تنوع نقوش با بیش از ۵۰ مورد به شیرسنگی‌های خوزستان و چهارمحال و بختیاری اختصاص دارد. این نقوش هر کدام جایگاهی در پیش برد مفهوم نماد شیر در منطقه بختیاری بازی می‌کند. نقوش سلاح گرم و سرد بسیر پرتکرار است. این نقوش که نشان شکار و جنگ و نمادی از روحیه سلحشوری و دلآوری است با مفهوم شیر که نمادی است از شجاعت، نوعی هم‌خوانی موضوعی در نقوش و پیکره را ایجاد نموده است. گاه هنرمند حجار، نقش شمشیر دولبه را تداعی‌گر ذوالفقار حضرت علی (ع) دانسته و نقش آن را بر دیواره شیرسنگی حک نموده است. این نماد با خود شیر که از منظر اعتقادی مذهب شیعه، منسوب به شیر خدا، حضرت علی (ع) است هم‌خوانی معنایی دارد. نقش اسب‌سوار نیز که آمیخته با مفهوم سلحشوری و شجاعت است با مفهوم

پی‌نوشت‌ها

1. Sphinx.

۲. به ظروفی اطلاق می‌شود که در دوران کهن به شکل جانوران ساخته شده است.

3. Wilhelm Eieler.

4. Kassites.

5. Hephæstion.

۶. اطلاعات از کارشناسان و مدیران میراث فرهنگی استان‌های خوزستان، چهارمحال و بختیاری، فارس، لرستان، اصفهان، آذربایجان‌های شرقی و غربی، کهگیلویه و بویراحمد، تهران و همدان گردآوری شده است.
۷. تصاویر و ریز تعداد شیرسنگی‌ها به تفکیک هر گورستان، روستا یا شهرستان نزد نویسندگان محفوظ است که خوانندگان محترم در صورت تمایل با ارسال پیام به پست الکترونیکی درج شده می‌توانند آنها را دریافت کنند.

فهرست منابع

احمدی، مجید؛ سحر، آزاد (۱۳۸۶)، گزارش گردهمایی گنجینه‌های از یادرفته هنر ایران (گنج‌نامه هنر ایرانی)، *آینه خیال*، شماره ۳، صص ۸۸-۹۲.
اذکایی، پرویز (۱۳۵۳)، روایات درباره شیرسنگی همدان، مردم‌شناسی و فرهنگ عامه ایران، شماره ۱، صص ۳۰-۴۶.
اشرفی خیرآبادی، حمید (۱۳۸۸)، ایل بختیاری، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۴۲، صص ۱۱۱-۱۰۲.
امیراحمدی، بهرام (۱۳۶۸)، نقش سنگ در زندگی کوچ‌نشینان بختیاری، رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره ۲، صص ۴۳-۴۷.
تناولی، پرویز (۱۳۸۸)، سنگ قبر، بن گاه، تهران.
دادور، ابوالقاسم (۱۳۹۰)، شیر در فرهنگ و هنر ایران، مطالعات هنرهای تجسمی، شماره ۳۳، صص ۳۲-۱۷.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، *لغت‌نامه*، جلد دهم، دانشگاه تهران، تهران.
دهقان‌زاده، عطیه؛ رستم‌بیگی، ثمین، و رهبر، ایلناز (۱۳۹۷)، مفاهیم نماد شیرسنگی در همدان، *پژوهش در هنر و علوم انسانی*، شماره ۱۳، صص ۶-۱.
سرلو، خوان ادوارد (۱۳۹۲)، *فرهنگ نمادها*، ترجمه مهرانگیز اوحدی، داستان، تهران.
شفر، راون و راپرت (۱۳۹۳)، *۱۰۰۰ نماد در هنر و اسطوره*. شکل به چه معناست، ترجمه آزاده بیداریخت و نسترن لواسانی، نشر نی، تهران.
شوالیه، ژان، گربران، آلن (۱۳۸۵)، *فرهنگ نمادها*، سودابه‌فضایی، جیحون، تهران.
صحرشکاف، پرویز (۱۳۸۸)، *بَرَدشیر (شیرسنگی)*، معتبر، اهواز.
ضابطی جهرمی، احمد (۱۳۸۹)، *پژوهش‌هایی در شناخت هنر ایران*، نشر نی، تهران.
فرزین، علیرضا (۱۳۸۴)، *گورنگاره‌های لرستان؛ پژوهشی در نقش و مضمون سنگ گورهای لرستان*، پژوهشکده مردم‌شناسی سازمان میراث‌فرهنگی و گردشگری، تهران.
فروهوشی، بهرام (۱۳۶۴)، *جهان فروری*، سازمان چاپ خواجه، تهران.
فقیه میرزایی، گیلان؛ مخلصی، محمدعلی، و حبیبی، زهرا (۱۳۸۴)، *تخت فولاد، یادمان تاریخی اصفهان*، جلد اول، پژوهشکده زبان و گویش سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، تهران.
قائم‌مقامی، جهانگیر (۱۳۴۵)، شیر و نقش آن در معتقدات آریایی‌ها، بررسی‌های تاریخی، شماره ۳، صص ۹۱-۱۴۲.
قنبری عُدبوی، عباس (۱۳۹۳)، *شیرسنگی (پژوهشی درباره شیرسنگی در بختیاری)*، نبوشه، شهر کرد.
کارنگ، عبدالعلی (۱۳۵۱)، *آثار باستانی آذربایجان*، انجمن آثار ملی، تهران.
کوپر، جی‌سی (۱۳۹۲)، *فرهنگ نمادها*، آیینی، ترجمه رقیه بهزادی، نشر علمی، تهران.

اسطوره، تهران.
 هال، جیمز (۱۳۸۰)، فرهنگ نگاره‌های نمادها در هنر شرق و غرب، ترجمه رقیه بهزادی، فرهنگ معاصر، تهران.

Bugrul, Hasan, (2016). *Reflection of Horse and Ram Beliefs on the Tombstones in the East Region of Turkey*, International Journal of Central Studies, Vol. 20.

Clauss, Manfred, (2000). *The Roman Cult of Mithras: the God and his Mysteries*, N Y: Routledge.

گری، بازیل (۱۳۶۹)، *تقائسی ایرانی*، ترجمه عربعلی شروه، عصر جدید، تهران.
 مددی، حسین (۱۳۸۶)، *نماد در فرهنگ بختیاری*، مه‌یار، اهواز.
 منتظرالقائم، اصغر (۱۳۹۱)، *دانشنامه تخت فولاد/اصفهان*، جلد دوم، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، اصفهان.
 موسوی بجنوردی، کاظم (۱۳۹۷)، *دانشنامه فرهنگ مردم ایران*، جلد پنجم، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران.
 نوروزی، علی یار (۱۳۹۸)، *گر و برد (جستاری پیرامون کارایی دیرین سنگ در ایل بختیاری)*، خط تیره، اهواز.
 وارنر، رکس (۱۳۸۶)، *دانشنامه اساطیر جهان*، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور،

Symbology and Typology of Stone Lions with Emphasis on Patterns and Outlines

Ruhollah Rahmani^{*1}, Seyed Abdolmajid Sharifzadeh², Mehdi Amraei³

¹Master of Handicrafts, Department of Handicrafts, Faculty of Applied Arts, Art University, Tehran, Iran

²Assistant Professor, Department of Traditional Arts Research Institute, Cultural Heritage and Tourism Research Institute, Tehran, Iran.

³Assistant Professor, Department of Handicrafts, Faculty of Art, Semnan University, Semnan, Iran.

(Received: 10 Mar 2021, Accepted: 20 Nov 2021)

Sir-e sangi or stone lion is a type of symbolic, historical and mostly abstract tombstone which is found on the graves of hero warriors and elders of Iranian tribes especially Bakhtiari ones. This kind of tombstone has a root in the ceremonial, Shiite, and ethnic beliefs of Iranian people. The present study is conducted for the first time in the scope of 10 provinces of Iran which are mostly in Bakhtiari regions. The purpose of this research is recognizing these symbolic statues by analyzing these kind of tombstones means stone lion based on their shapes, pattern and symbols. The question is, considering the cultural, historical and geographical factors affecting the evolution of the lion body, what aesthetic differences do we see? The research has been conducted in descriptive-analytical way. The main base of this article are the information are gathered from different books, documents, and field information by the help of the experts and specialists of the Cultural Heritage offices of 40 Iranian cities. The number of studied samples is more than 550 of these types of historical statues in the country. Sir-e sangi statues are used differently in Iranian regions and cities. As an example, in two provinces namely Khuzestan and Chaharmahal and Bakhtiari, the stone lion statues are mostly cubic and have some kind of slop and shape as if the lion is jumping, representing a symbol of courage of the bared person. However, in some other parts like Isfahan city, the stone lion statues are not used just on the graves. They are located throughout the city mainly in the religious places like Imam-zadeh and mosques. They have a calm and cylindrical or curved body shape, which can be regarded as the symbol of the guard in proportion to the place where they are located. Some of these statues on the graves have inscriptions, too. In addition, in some regions like Aligoodarz city which is in Lorestan province and Fereydunshahr and Fereydan that are located in Isfahan province, they have humanoid, mood-oriented and expressive faces. In Yasuj city, the center of Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad province as well as Shiraz and Kazeroon in Fars province, sometimes the direction of hands and feet of the lion represent movement. However, in the northwest

regions of Iran like Tabriz in east Azerbaijan, there is no sign of jumping in Bakhtiari sir-e sangi or stone lions. Since Safavid dynasty, this statues is also considered the symbol of Imam Ali (peace be upon him), the first Imam of Shiite Muslims. Lots of pattern are engraved on these statues like sword, gun, dagger, horse, horse rider, antelope, warrior and religious elements. An important point which should be noticed is that these motifs are different based on the social, religious, occupational and cultural situation of the person whose grave is marked by a stone lion. Among these pattern, sword is the most common type. The reason can be found in the spirit of courage of Bakhtiari people and sword can be a symbol of courage.

Keywords

Stone lion, Symbology, Typology, Outlines.

*Corresponding Author: Tel: (+98-21) 61063469, Fax: (+98-21) 61063445, E-mail: amirrahmani2m@gmail.com